

# نقد فرمایشات اعلیحضرت در برنامه افق ایران

## (دوران گذار)

### (قسمت ششم)

امیرفیض- حقوقدان

این قسمت، در دو باب آورده میشود؛ یک باب دوران گذار در بیانات اعلیحضرت و باب دوم تعلقات کلی به باب اول علت این تقسیم بندی را لزوم تسلط تحریرات به موضوع میتوان گرفت.

### باب اول - دوران گذار

یکی از موضوعاتی که در بیانات اعلیحضرت در برنامه «افق ایران» بسیار چشمگیر و نشان از دلواپسی ایشان داشت و دارد، دوران گذار است.

اصطلاح دوران گذار برای اولین بار توسط اسلام کاظمیه در خارج از کشور مطرح شد، و اسلام کاظمیه هم آنرا از انتشارات حزب توده گرفته بود.

دوران گذار به دوران و ایامی اطلاق میشود که یک بحران مضمحل کننده ناظر و حاکم بوضع کشور میگردد.

مانند بحران های طبیعی سنگین و یا انقلابات که حاکمان و قوانین و نظامات جامعه را بکل از هم میگسند و یا جنگها که باعث تغییرات در مرزهای کشورها میگردد. و اگر دوران مزبور به سرعت کنترل و تحت قاعده در نیاید عوارض سنگینی برای جامعه ایجاد خواهد کرد.

در بیانات اعلیحضرت نگرانی خاصی در مورد دوران گذار یعنی دورانی پس از اضمحلال و سقوط کامل جمهوری اسلامی ملاحظه میشود و بهمین رو از نقشه راهی صحبت فرموده اند که از هم اکنون باید به فاز انتقالی، نقش دولت موقت نگاه کرد، قانون اساسی حکومت آینده را تنظیم کرد، از هم اکنون باید به مراحل فکر کرد که در جلو داریم؛ مرگ و میر میشود، طلاق گرفته میشود، ارثیه و تقسیم آن پیش میآید کدام قانون، قانون اساسی جمهوری اسلامی یا قانون دیگر و از این مراتب .....

### نگرانی مفقود و آسایش خیال موجود

دوران گذار نسبت به ایدیولوژی هائی میتواند مطرح باشد که قصد مبارزه علیه حکومت بر محور عدم مشروعیت حکومت را داشته باشند، و چون انجام این هدف مستلزم نابود کردن قدرت حکومت در وضعی وسیع و محاکمه صحرائی مسئولین نظام حاکم و ایجاد نظم نوین خواست انقلابیون است دوران مزبور که معمولاً باید کوتاه باشد دوران بی قانونی و خشونت و بهم ریختگی است که دوران گذار یعنی گذران نامیده میشود.

دوران گذار که از تبعات براندازی است نمیتواند بدون خونریزی و ویرانی و واقفاماتی که ناشی از هیجان انقلابی و براندازی است صورت گیرد، زیرا برخورد دوقدرت و یا چند قدرت است.

خواست سیاسی اعلیحضرت هماهنگ با استراتژی آمریکا، متضمن براندازی جمهوری اسلامی چنانکه به کرات ارائه دلیل شده است نیست، بلکه تحولاتی از داخل از مسیر انتخابات است که مسئولین جدیدی جایگزین مسئولان فعلی جمهوری اسلامی میشوند و قانون اساسی جمهوری اسلامی هم در صورت لزوم از طریق سیستم های دموکراسی اصلاح خواهد شد و قوانین جمهوری اسلامی هم در صورت لزوم در مجلسی که با انتخابات تشکیل گردیده اصلاح میشود و نه نیازی به براندازی و رفتارهای انقلابی است و نه دوران گذاری روی میدهد که اعلیحضرت از حالا نگران باشند، درست همانکه در قطعنامه شورای تجزیه طلبان پیاده شده است

## راه رفع نگرانی اعلیحضرت

طریق آشنا برای رفع نگرانی و تشویش انسان، در فرهنگ اسلامی، توسل به دعاست، و در منطق عقلی، مشاهدات عینی و قرآن و وابسته بر ثبوت اینکه عوامل ایجاد کننده نگرانی ممکن الوجود نیست و از چیزی که عینت حضور ندارد نمیتوان نگران بود، که این تحریر به ملاحظات و مشاهدات عینی برای رفع نگرانی اعلیحضرت بسنده میکند.

## مشاهدات عینی

تحریر حاضر به بصیرتی خود رانزدیک میسازد که نشان دهد ملاحظات عینی در جمهوری اسلامی نشانی از نگرانی برای دوران گذار باقی نمیگذارد و نقشه راه مورد حمایت و ترسیم شده از سوی آمریکا تغییر رفتار جمهوری اسلامی از طریق بکار بستن روشهای دموکراسی است یعنی دقیقاً نقشه کاری که برای مبارزات سیاسی اپوزیسیون ترسیم شده است و اعلیحضرت آنرا بصورت قطعنامه منظم فرموده اند.

گرچه تاکنون دلایل کافی برای اثبات سیاست آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی از قول شخصیت ها ارائه شده ولی فکر میکنم که با اعتبارترین آنها اظهارات رئیس جمهوری آمریکا در سازمان ملل متحد است که در مقابل نمایندگان ۱۸۰ کشور جهان اعلام کرد <آمریکا در پی تغییر رژیم ایران نیست> (۲۰۱۴)

باید قبول داشت که اعتبار اظهارات باراک اوباما در اجلاس سالیانه سازمان ملل با اظهارات شخیت های سیاسی آمریکا خیلی متفاوت است و نوعی تضمین بین المللی آمریکابه عدم براندازی جمهوری اسلامی میباشد.

این نکته هم گفتنی است که اظهارات آقای باراک اوباما در سازمان ملل متحد درست بعد از اظهارات جنجال برانگیز شیخ حسن روحانی بود که گفت: <آمریکایی ها در قلب مردم ایران هستند و برای ایرانیان بسیار عزیزند>.

لذا بنظر میرسد میتوان مسئله براندازی جمهوری اسلامی را از سیاست آمریکا به کلی منتفی ساخت و راه دوم که همان تغییر در حکومت و رفتار جمهوری اسلامی است را هدف شناخت و در کلامی دیگر دوران گذار در استراتژی آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی نه وجود دارد و نه میتواند اکنون مطرح باشد.

بنابراین وقتی بروز حادثه ای ممکن نیست نگران بودن از آن دوران هم موجه نیست خاصه که سیاست اجرائی اعلیحضرت و شورا و افقشان، («افق ایران») شرکت در انتخابات است و چنین هدفی بطور کلی در مسیر ناشیه از براندازی قرار نمیگیرد.

از آن گذشته اعلیحضرت و افقشان در پوشش شفافیت و حقیقت و در جریان گذاشتن مردم صحبت میفرمایند لذا متصور نمیتواند باشد که مردم برای شرکت در انتخابات به شورا دعوت بشوند و بعد آنها به میدان مبارزه فیزیکی و خرابکاری و آدم کشی فرستاده شوند. لاقلاً اعلیحضرت اهل چنین کاری نیستند؛ پس چرا باید نگران باشند و از حالا که معلوم نیست کی و چه زمانی دوران گذاری که پیش نخواهد آمد قانون ارت و ازدواج و طلاق نوشته شود؟

امید وارم این مختصر توانسته باشد نگرانی های اوهای اعلیحضرت را از دوران گذار بر طرف ساخته باشد.

### نگرانی واقعی اعلیحضرت

نگرانی و دلهره های اعلیحضرت بملاحظه دوران گذار و نبودن قوانین نیست، که بیان فرموده اند نیست، بلکه بطور حتم و یقین اینهاست که خود ایشان قبلاً با صفای قلب از فرهنگ و سنت ایرانی بیان و ثبت در تاریخ مبارزات است.

**<عقیده من این است که این نهاد را باید حفظ کرد. ملت ما پیش از ۲۵۰۰ سال تاریخ شاهنشاهی دارد**

**این را نمیشود نادیده گرفت – ما باید راه خودمان را بطور قطع روشن کنیم یا ما این ننگ را بپذیریم**

**که سند مرگ سه هزار ساله ایران را امضا کرده ایم>** (از فرمایشات اعلیحضرت)

وحشت و نگرانی اعلیحضرت باید از امضا کردن سند مرگ و موجودیت سه هزار ساله ایران کهن باشد نه نگرانی از چگونگی ارت بردن. دلهره دائم و آزار دهنده آنجاست که اعلیحضرت به ایران و فرهنگ پشت کرده اند این سخنان پرمعنا از ایشان است.

**<ایران و سلطنت جدائی ناپذیرند و عمیقاً وابسته به سنن و فرهنگ و تاریخ ماست >.....<**

**<سلطنت نمادی است که بیان کننده حفظ ملیت – حفظ فرهنگ – حفظ تمامیت ارضی مملکت و حفظ**

**استقلال روحی و فکری ملت ایران است>**

**آنچه اعلیحضرت این روزها میفرمایند و شخصاً هم رهبری آنرا بعنوان یک فرد ایرانی عهده دار شده اند به اعتبار بیانات سابقه خودشان، پشت کردن به ایران و بریاد دادن ملت و فرهنگ و تمامیت ارضی کشور و استقلال روحی و فکری مردم است.**

اینها آزار دهنده و نکبت سازو رسوا کننده است که انسان از اثرات آن و نفرین هویت ایرانی آرام نخواهد داشت، اینهاست که گل رابه خاری که همیشه خار و خوار خواهد بود مبدل میسازد؛ و همین هاست که اجازه میدهد حضور اعلیحضرت عرض شود.

**ایران آنقدر ارزش دارد، آنقدر بر همه ما و بیشتر بر اعلیحضرت حق دارد که آنرا فراموش نکنیم و پشت به ایران و رویه باطل ها نکنیم.**

نسیم وصل وقتی بوی گل میداد حس کردم که این دیوانه ها پرپرکنند یک روز این گل را در بیانات اعلیحضرت جمله ای است که حقیقتا انسان را ملتهب میسازد مقصود آنجاست که میفرمایند

**<در دوران گذار کدام قانون، قانون جمهوری اسلامی یا قانون دیگری باید اجرا شود>**

هرکس بخود اجازه دهد که چنین بیانی را منتشر کند در حق و صلاحیت اخلاقی اعلیحضرت نیست. اعلیحضرت که میفرمایند **حوظیفه من و هر ایرانی است که از قانون اساسی اطاعت کند ولی من بعنوان پادشاه قانونی نقش مهمتری دارم و آن دفاع از آن قانون است** نمیتوانند آنقدر تحقیر بوی اعتباری متوجه قانون اساسی مشروطیت بفرمایند که حتی از آن بنام **<قانون دیگر>** یاد کنند. دفاع از قانون اساسی و پاسداری از آن که بکرات در فرمایشات اعلیحضرت آمده با بیانات در افقشان مخالفت و ضدیت معنایی دارد، آیا معنای شفاف، شفاف و صادق بودن همین تضادهاست؟

اعلیحضرت در گذشته ها (مصاحبه با مدیران جراید) هم دلواپسی خودشان را از دوران گذار و لزوم تنظیم قانون اساسی بارها اعلام فرمودند و سنگر هم عرض مطلب انتقادی داشته است، و اصولا عادت ایشان اینجوری است که بعد از هر مدتی میروند سراغ تزه های مردود و مرحوم شده خودشان.

دوران انتقالی و یا دوران گذار در رابطه با جمهوری اسلامی، مترادف طیفی است که قائل به مشروعیت جمهوری اسلامی نیست و کسانی میتوانند قائل به مشروعیت جمهوری اسلامی نباشند که برای شورش ۵۷ قائل به مشروعیت نباشند چرا که جمهوری اسلامی نوزاد همان شورش کثیف ضد ایرانی ۵۷ است؛ اعلیحضرت که منتظر دوران گذار هستند همانند کسی میباشند که وصلت و دوفررا قبول دارد (قائل به اصالت برای شورش ۵۷) ولی مولود ۳۵ ساله آن ازدواج را قبول ندارد. شورش ۵۷ مادر حقوقی ایجاد جمهوری اسلامی، قانون اساسی آن و تمام بلیاتی است که به ملت و کشور تحمیل شده است.

رابطه حقوقی عدم مشروعیت جمهوری اسلامی (حقوق سیاسی داخلی) نیاز به دوران گذار ندارد؛ با انهدام رژیم غاصب جمهوری اسلامی، دولت موقت به اعتبار تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت **بسرعت** با فرمان شاه تشکیل و به قواعد لازم برای اداره کشور تا تشکیل مجلس موسسان خواهد پرداخت .

از اعلیحضرت اجازه میخوام در کمال احترام و تواضع بعرضشان برسانم که **<خوابی که دیده اند انشاء الله خیر باشد>**

**باب دوم – تعلقات کلی به باب اول****سیاست تغییر در رفتار جمهوری اسلامی**

اسناد تحقیق که مستند تحریرات است، مواضع و دلایل عینی ورخدا ده هائی را نشان میدهد که سیاست مشترک آمریکا و دولت شیخ حسن در جهت تغییر رفتار جمهوری اسلامی است. چنانکه روزنامه انگلیسی فایننشیل تایمز نوشت:

**> نئو کنسرواتیو ها در آمریکا سخت در تلاشند که یک گروه ایرانی را بنماینده خود در خط مقدم فعالیتهای خود در ایران قرار دهند<sup>۱</sup>**

گروهی که فایننشیل تایمز اشاره کرده همان گروه اصلاح طلبان مشتمل بر جنبش سبز و شخصیت های رفسنجانی، خاتمی، ناطق نوری و شیخ حسن روحانی و بخشی از اپوزیسیون خارج از کشور است.

بخشی از دلایل مزبور در تحریر (کودتای شیخ حسن روحانی)<sup>۲</sup> مطرح شده است که تکرار آن موجه نیست ولی وقایعی که در فاصله آن تحریر با تحریر حاضر روی داده ممکن است قابل ملاحظه و مزید بر دلایل باشد.

\* مقاومت مجلس شورای اسلامی در احراز صلاحیت برخی از وزرای شیخ حسن از زمره شواهد عینی از مقاومت مجلس در مقابل سیاست دولت شیخ حسن بر تغییرات، مذاکرات و اظهار نظرهای وکلای مجلس کاملاً جبهه گیری مجلس را با سیاست شیخ حسن که همان سیاست آمریکاست نشان میدهد.

\* احضار ۲۰ تن از مدیران اجرایی دولت احمدی نژاد و بازداشت برخی از آنان نشان دیگری در پاک کردن مسیر حرکت از عوامل دولت سابق مخالف با سیاست تغییر و تسلیم جمهوری اسلامی به آمریکاست.

\* اظهارات اخیر شیخ حسن علیه سپاه پاسداران مبنی بر اینکه وقتی تفنگ و رسانه ها و قدرت اقتصادی در دست یکنفر بود فساد میآورد؛ و متقابلاً اظهارات فرمانده پاسداران نشان از درک پاسداران از جریان سازش و تسلیم دولت به سیاست آمریکاست.

\* انتشار خبر سهام نیوز مبنی بر فعالیت قسمت اطلاعات سازمان سپاه علیه دولت شیخ حسن و سوال ۱۵ نماینده مجلس از وزیر اطلاعات در خصوص خبر مزبور نشانی از برنامه ریزی مقاومت سپاه در مقابل سیاست شیخ حسن و آمریکاست.

\* تمدید زمان مذاکرات هسته ای از علائم مشهود دلشادی آمریکا از جریان اقدامات شیخ حسن در دنباله روی از سیاست آمریکاست.

۱ - نئو کنسرواتیو ها همان نیوکان ها هستند که در راس آن ریچارد پرل، کنت تیمرمن، مایکل لدین، و از این دسته اند که برخی سایت های اینترنتی، چه خبری و سیاسی به آنان تعلق دارد و برخی آدم های ایرانی را در آنها جا داده اند و پول و مزد میدهند. نام این مزد بگیران مشخص و در لیستی تنظیم شده موجود است. ح-ک

۲ - <http://1400years.org/AmirFeyz/KudetayeKhazandehRouhaniOman-AmirFeyz-17Mar2014.pdf>

آمریکا که نگرانی خودش را در بیانیه کاخ سفید از تمدید مدت مذاکره رسماً اعلام کرد چرا و چگونه باین دست و دل‌بازی ۷ ماه مدت مذاکرات را تمدید مکرر کرد؟ علت، رضایت تام و تمام آمریکا از سیاست تغییر که بوسیله شیخ حسن در راستای خواست آمریکادرایران در جریان است، میباشد.

آمریکا به مصداق گره ای که بادت بازمیشود به دندان نیاز ندارد عمل میکند و آرمش نسبی کنگره آمریکا خاصه جمهوریخواهان نسبت به اقدامات تند و تحریم های اضافی و یا تصمیمات نظامی و همچنین آرامش نسبی در هیجانات اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، نشانی از حرکت موفقیت آمیز جریان تغییر در حکومت ایران است. (در تحریرات سابق از تغییر در حکومت ایران بنام کودتای شیخ حسن یاد شده است)

آقای ریچارد پرل از اعضای برجسته پنتاگون گفته است:

«سیاست آمریکا برای تغییر حکومت ایران (حکومت به غیر از رژیم است) بقوت خود باقی است ما معتقدیم که اصلاح طلبان و شبکه های تلویزیونی ماهواره ای که ابزار اصلی برای ما در تغییر حکومت ایران هستند، آنها ابزاری هستند برای کشاندن مردم به خیابانها».

وزیر دفاع آمریکا گفت:

«آمریکا در صدد اجرای تعویض رژیم اسلامی نیست ترجیح میدهد یک انقلاب داخلی این کار را برای آمریکا انجام دهد».

\* حمایت سید علی از مذاکرات هسته ای با آنکه آن مذاکرات را بنفع ایران نمیداند یکی از دلایلی است که ارتباط مذاکرات هسته ای را با کودتای خزنده شیخ حسن به اثبات میرساند به این معنا که قطع مذاکرات از سوی ایران تمام موافقتهای پنهانی بین آمریکا و جمهوری اسلامی را متزلزل میسازد.

علی اکبر ولایتی مشاور سید علی در دهم آذرماه سال جاری گفت «فرمایشات رهبر فصل الخطاب است و نباید سخنی در مخالفت با مذاکرات هسته ای گفته شود».

### همه چیز در موافقتهای پنهانی عمان

\* استحضار دارید که مقامات آمریکائی فاش کردند که ۶ ماه مذاکرات مخفی در عمان سلطان قابوس، قبل از تشکیل کنفرانس ژنو جریان داشته و بعداً کنفرانس ژنو تشکیل شد و باز استحضار دارید که آقایان ظریف و عراقچی اعلام کردند که موافقتنامه ژنو را نخوانده امضا کرده اند.

این علائم و نشانی ها حکایت دارد که مذاکرات محرمانه در عمان، اساس تصمیم گیری برای آغاز مذاکرات ژنو بوده و آقایان ظریف و عراقچی به ملاحظه اهمیت موافقت های پنهانی در عمان، به مفاد موافقت نامه ژنو اهمیتی نداده و آنرا امضا کرده اند.

### موافقتهای محرمانه عمان چه بوده است

البته، سندی انتشار نیافته که آن موافقت های محرمانه بین جمهوری اسلامی و آمریکا را بیان کند؛ ولی قرائن و امارت بونی دارد که انسان هوشمند را بطرف حقیقت موضوع با انحرافات کوچکی دعوت میکند.

اس و اساس اختلاف جمهوری اسلامی با آمریکا مخالفت آمریکا با اساس جمهوری اسلامی بوده و یا چنین چیزی برداشت جمهوری اسلامی بوده است. بهمین دلیل جمهوری اسلامی حاضر به مذاکره با آمریکا نبود.

یادمان هست که هنگام حمله آمریکا به عراق جمهوری اسلامی کتا از آمریکا خواست که آمریکا به فعالیت های ضد جمهوری اسلامی خاتمه دهد و جمهوری اسلامی هم متقابلا از کمک به حزب الله و حماس خود داری خواهد کرد، و بار دیگر همین تقاضا را جمهوری اسلامی بوسیله آقای طالبانی رییس جمهوری عراق به آمریکا تسلیم کرد و آمریکا اعتنائی ننمود.

در عمان رضایت آمریکا مبنی بر اینکه آن کشور صحبت از حمله نظامی به ایران نکند و نه خودش و نه گروه های مخالف جمهوری اسلامی را علیه جمهوری اسلامی تجهیز و مسلط به عمل ننماید، بوسیله جمهوری اسلامی جلب و متقابلا قرار میشود که نسبت به سایر اختلافات از جمله فعالیت های اتمی که بزرگترین آنهاست در ژنو مذاکره شود.

آنانی که در جریان مذاکرات ۱+۵ از ابتدا قراردادارند میدانند که ظریف و عراقچی دوبار و یا بیشتر به توافقاتی ضمیمه موافقت نامه اشاره کردند بدون اینکه از متن آنها اطلاعی بدهند و حتی آقای عراقچی آن ضامم را حدود ۴۰ صفحه معرفی کرد؛ که تاکنون هم کسی نمیداند که مختصر و مفید آن ضامم چیست.

### موافقت های ضمیمه یا متن تفسیری

برای آنکه مورد بالا قدری روشن و بتواند مورد استناد این تحریر قرار گیرد باید ببینیم که متن تفسیری و یا موافقت نامه ی ضمیمه (بقول آقای عراقچی) چیست.

متن تفسیری در حقوق بین الملل دیپلماتیک به نوشته ای عادی امضا نشده ای گفته میشود که در راستای یک سند امضا شده تهیه میشود؛ اعتبار این سند امضا نشده مورد توافق طرفین سند اصلی است ولی به اعتباراتی دولتها مصلحت نمیدانند که آنرا امضا و منتشر سازند؛ زیرا بر خلاف قواعد بین المللی و یا منافع ملی یک طرف و یا طرفین است.

تهیه این متن غالباً در اثر مذاکرات خصوصی و سری آنها در جریان مذاکرات اصلی و یا قبل از شروع مذاکرات رسمی مربوط به موضوع مورد بحث انجام میشود. متون تفسیری و با توافق های شفاهی بین نمایندگان کشورها بر پایه حسن نیت و شرافت ملی است و طرفین آنرا محترم میدانند و به آن عمل میکنند.

در تحریرات سابق به این روشنی پرداخته شده که موضوعات انرژی اتمی - حقوق بشر - زندانیان سیاسی - کمک به تروریسم از سوی آمریکا همه بهانه است برای اداره امور ایران بوسیله ایرانیان نزدیک و هوادار سیاست آمریکا که امروز بنام اصلاح طلبان شناخته میشوند و این گروه همان هائی هستند که در سال ۸۸ در نقش سربازان آمریکا و اسرائیل برای کسب قدرت به خیابانها آمدند ولی موفق نشدند.

کمتر میتوان تردید داشت که آمریکا در اولین فرصت که همان مذاکرات محرمانه عمان بوده، خواستها و انتظارات کشورش را مطرح نساخته باشد و جمهوری اسلامی هم بهمچنین. زیرا اگر آن مذاکرات محرمانه به نتیجه ای نمیرسید نه فاش میشد و نه بسرعت بمذاکرات علنی به ژنو کشیده میشد.

میتوان از قرائن و رویدادهای ایران این نتیجه را گرفت که خواست سی و چند ساله آمریکا بر تفویض قدرت حکومت به تیم اصلاحگران که سخت مورد حمایت آمریکا از زمان شورش ۵۷ و موافقت نامه گوادلپ بوده در مذاکرات محرمانه عمان از قوه به فعل در آمده است.

اقدام آمریکا به برتاب ۶۰۰ مجاهد باقیمانده در عراق به آلبانی و تشکیل شورای تجزیه طلبان با خواست شرکت در انتخابات که نوعی بیعت سلطنت!! با جمهوری اسلامی است از تبعات همان موافقت عمان است.

تشکیل احزاب جدید از اصلاح طلبان از جمله حزب «ندای ایرانیان» که حدود ۱۲ ماه به انتخابات مجلس، شروع به فعالیت کرده و اعلام حضور رفسنجانی و خاتمی و ناطق نوری در کنار شیخ حسن و شخصیت سازی های کاذب برای رفسنجانی و بسیاری مراتب دیگر که ممکن است آشکار نباشد دلیل حرکت برنامه ریزی شده اصلاحیون وابسته به آمریکا در اداره آینده جمهوری اسلامی است.

اینکه در موافقتنامه ژنو تصریح شده است که در صورت عدم حصول موافقت جامع، تمام موافقت ها بی اعتبار خواهد بود، مقصود از موافقت ها متوجه موافقت های آمریکا در عمان نیز میباشد که آمریکا از براندازی جمهوری اسلامی بطور مستقیم و یا غیر مستقیم خودداری کرده است.

اینکه ناظرید سید علی علیرغم اعلام بی نتیجه بودن مذاکرات ژنو اصرار در ادامه مذاکرات دارد، نگرانی او از بهم خوردن توافق آمریکا با جمهوری اسلامی در عمان است که خطر حمله نظامی و یا حمایت آمریکا از گروه های ضد جمهوری اسلامی را پیش بکشد.

### موافقت و دلشادی ایوزیسیون

تحریر حاضر ناقص است اگر به موقعیت ایوزیسیون جمهوری اسلامی در رابطه با سیاست تسلط آمریکا بر جمهوری اسلامی اشاره ای نشود.

ایوزیسیون جمهوری اسلامی چه داخل و یا خارج از کشور سالهاست که در انتظار به جریان افتادن سیاست سلطه آمریکا بر ایران است.

از آنجا که تحریر حاضر در رابطه با متعلقات بیانات اعلیحضرت در موضوع دوران گذار است، بی مورد نیست از دلشادی و موفقیت اعلیحضرت در سیاستی که آمریکا و شیخ حسن مشترکا در ایران میخواهند اجرا کنند، یادی بشود.

اعلیحضرت در مصاحبه برنامه سازان رادیو صدای ایران چنین فرمودند:

کاری کنیم که رژیم به مردم کم کم آزادی بدهد بالطبع در کنار آزادی سازندگی نسبی کشور و دیگر مسائل و وابسته از جمله مسائل و روابط بین المللی هم تامین خواهد شد. (مشروح درسنگر ۱۵ تیرماه ۷۸)

ملاحظه میفرمائید که برنامه کودتای آرام اصلاح طلبان و شیخ حسن مورد تائید رئیس شورا و «افق ایران» هم هست و آنچه در قطعنامه شورای تجزیه طلبان پیاده شده چیزی جز سیاست آمریکا و شیخ حسن نیست.



## **حاشه قابل توجه**

البته این تحریر کاملاً آگاه است که اعلیحضرت بارها و بارها خواستار قطع رابطه و مذاکره غرب با جمهوری اسلامی شده است ولی میدانیم که در روابط حقوقی، اقرار به حق و یا به حقانیت طرف، پایگاه مستحکمی از قبول است که صد بار هم تکذیب و یا خلاف آن گفتن تأثیری در حقانیت آن حق ندارد.

با عذرخواهی از تصدیع مفصل